

واکاوی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت از روستا به شهر: مطالعه

موردی مهاجرین واردشده به شهر اراک طی ۵۰ سال اخیر

فاطمه زندی*، منصوره اعظم آزاده**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۸)

چکیده

هدف این مطالعه کشف فهم و درک مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک از نابرابری است. برای این منظور از نظریه مبنایی به عنوان روش پژوهش کیفی استفاده کرده‌ایم. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه و مشاهده مستقیم جمع‌آوری شده‌اند. جمعیت مورد مطالعه شامل مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک است که طی ۵۰ سال اخیر (۱۳۴۵-۱۳۹۵) به این شهر مهاجرت کرده‌اند، و نمونه‌ها نیز شامل ۲۲ نفر از گروه‌های سنی و شغلی مختلف بوده‌اند. از تشریح یافته‌ها ۵۰ مفهوم اولیه و ۱۵ مقوله استخراج شد؛ مقوله مرکزی که درک نابرابری را ایجاد می‌کند، نابرخورداری است. شرایط علی مؤثر در درک نابرخورداری عبارتند از: پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ناهمگنی منزلتی، کیفیت سبک زندگی، نحوه درک بر خورداری، و مقایسه، که به وسیله شرایط مداخله‌گری چون: نمایش رسانه‌ای، ویژگی شبکه روابط، و کیفیت سطح زندگی، تعدیل و تشدید می‌شوند. طبق یافته‌ها، مهاجرین استراتژی‌های مدارا، تظاهر دروغین به بر خورداری، و دریافت کمک از سازمان‌های حمایتی را اتخاذ می‌کنند، که پیامدهایی چون افزایش نارضایتی از زندگی و احساس تمایز اجتماعی را در پی دارد و می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی و کاهش همبستگی اجتماعی شود.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، درک نابرابری، نابرخورداری، مهاجرین روستایی، تمایز اجتماعی، شهر اراک.

* دانشجوی دوره دکتری، رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه الزهرا.

E-mail: fat.zandi@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول).

E-mail: m.azadeh@alzahra.ac.ir

مقدمه

نابرابری به‌عنوان پدیده‌ای جهانی یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. با آنکه از مفهوم نابرابری، نابرابری اقتصادی به ذهن متبادر می‌شود، اما ابعاد سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. در نابرابری اقتصادی، امکانات کاری و درآمد اهمیت دارند و در نابرابری اجتماعی، موقعیت‌های اجتماعی، دسترسی یکسان به موقعیت‌های اجتماعی از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و دیگر خدمات اجتماعی و در دسترس بودن موقعیت کاری و شغلی اهمیت دارند (کمالی، ۱۳۸۵: ۲۹۱-۲۹۲). می‌توان گفت نابرابری اجتماعی، پیامد تقسیم ناعادلانه منابع و فرصت‌های موجود جامعه است و وقتی رخ می‌دهد که برخی کنشگران اجتماعی نسبت به موقعیت‌شان در روابط اجتماعی، به‌طور منظم سهم بیشتری از کالاهای با ارزش جامعه را دریافت کنند (ویس، ۲۰۰۵: ۷۱۰). مسئله زمانی ایجاد می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای این تقسیم ناعادلانه را توجیه نکند و در واقع، این نابرابری‌ها مشروع نباشند. در این صورت است که درک این نابرابری‌ها توسط افراد جامعه تحمل‌ناپذیر خواهد بود و موجب کاهش همبستگی اجتماعی و یا بحران‌ها و شورش‌ها و در نتیجه به چالش کشیده شدن کلیت نظام اجتماعی می‌شود. در واقع، بحث نابرابری زمانی به یک مسئله تبدیل می‌شود که تفاوت‌های اجتماعی نهادینه شده‌ای چون تفاوت شیوه‌های زندگی، و تفاوت حقوق و فرصت‌ها، مغایر با ارزش‌های حاکم بر جامعه باشد و احساس ناعدالتی را در افراد جامعه ایجاد کند. به همین جهت، حرکت در راستای تخفیف یا تشدید نابرابری از قرن‌ها پیش مطرح بوده (شیخاوندی، ۱۳۸۳: ۲۳).

یکی از راهکارهایی که افراد برای کاهش دسترسی نابرابریشان به منابع و فرصت‌ها اتخاذ می‌کنند مهاجرت است. در واقع، مهاجرت، جابجایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی بهتر است. بیشتر مهاجران در پی رهایی از اوضاع نابسامان اقتصادی و توسعه ناموزون، به سمت مناطق توسعه‌یافته‌تر و یا مناطقی که به‌نظر می‌رسد دارای زمینه‌های شغلی و مالی مساعدتری است، مهاجرت می‌کنند. امروزه برخی از مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه را به چگونگی مهاجرت‌های داخلی آن‌ها نسبت می‌دهند (زنجانی، ۱۳۸۰). از جمله اینکه همه ساله میلیون‌ها نفر از جمعیت روستایی در کشورهای در حال توسعه، تصمیم به مهاجرت

به نواحی شهری این کشورها می‌گیرند (زیگانگ^۱ و شانفنگ^۲: ۲۰۰۶). در کشور ایران نیز، با وجود اینکه تمامی روستاییان فارغ از آنکه در ساختار اجتماعی چه مرتبه‌ای داشتند از رونق اقتصادی که در میانه دهه ۱۳۴۰ آغاز شد سود بردند، و هزینه سالیانه خانوارهای روستایی از ۱۰۰۰ دلار در سال ۱۳۴۴ به ۲۰۰۰ دلار در سال ۱۳۵۴ افزایش یافت، اما همچنان بر اساس ارزیابی دهه ۱۳۵۰ نسبت درآمد شهر و روستا معادل ۴ به یک بود و ۷۴ درصد تهیدستان در مناطق روستایی زندگی می‌کردند (اشرف و بنو عزیز، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۶). در نتیجه در اواخر دهه ۱۳۴۰ نابرابری فزاینده بین شهر و روستا در خدمات عمومی همچون مسکن، آموزش و پرورش، تغذیه و خدمات درمانی و مهمتر از همه اشتغال و مزدهای بالاتر در شهرها، روستائیان را تشویق به مهاجرت کرد، و در عرض دوره ده ساله ۱۳۴۵-۱۳۵۵ حدود سه میلیون نفر از روستاییان به شهرها مهاجرت کردند (آیرملو، ۱۳۶۳). در واقع اجرای اصلاحات ارضی و تبدیل نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و همچنین کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، موجب برهم خوردن رابطه متعادل شهر و روستا شده بود و شهرها به مکانی برای تمرکز مازاد اقتصادی ملی، گسترش زیرساخت‌های صنعتی - مالی و مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی، به‌خصوص برای روستائیان، تبدیل شدند (حسامیان، ۱۳۸۵: ۵۰-۴۹).

استان مرکزی^۳ به‌عنوان استانی صنعتی که در سال‌های مذکور و بعد از آن، قدرت جذب بالایی داشته و مهاجرین زیادی را از سراسر کشور در خود جای داده (آیرملو، ۱۳۶۳)، از قاعده مهاجرت روستائیان مستثنی نبوده، و بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از آمارنامه‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن طی دهه‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵، با کاهش سهم جمعیت روستایی مواجه شده است. به‌طوری که جمعیت روستایی آن از ۸۱/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۸/۷۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. شهرستان اراک هم به‌عنوان مرکز استان و شهرستان مورد بررسی در این پژوهش، متأثر از این قاعده بوده و طبق آمار، جمعیت روستایی آن از ۲۰۵۱۱۹ نفر در سال ۱۳۶۵، به ۶۰۲۳۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ و ۱۳۹۵). یکی از مهمترین

1. Zhigang

2. Shunfeng

۳. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان مرکزی دارای ۱۲ شهرستان، ۲۳ بخش، ۳۲ شهر، ۶۶ دهستان، ۱۳۹۴ آبادی دارای سکنه و ۴۶ آبادی خالی از سکنه است.

علل (نه تنها علت) این روند نزولی، مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهر بوده است، که نتیجه آن برای این شهر همچون اکثر شهرهای مهاجرپذیر مسائل و مشکلات اجتماعی-اقتصادی مانند سالخورده‌گی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، رشد بیکاری و مشاغل کاذبی مانند دست‌فروشی و واسطه‌گری (غلامزاده، ۱۳۸۳: ۷۵)، رشد مسائل ناهنجاری^۱ در جامعه به دلیل تغییر محیط زندگی افراد و عدم احساس پایداری به اصول و هنجارها (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۶۵)، حاشیه‌نشینی (نقدی، ۱۳۸۶)، و نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، و غیره است.

البته مهاجرت در مفهوم ذاتی خود مسئله‌آمیز نیست و نمودی از آزادی‌گزینش است، و ساده‌ترین تبیین آن این است که مردم به هوای دستیابی به زندگی بهتر اقدام به مهاجرت از محل زندگی خود می‌کنند (استاکر، ۱۹۹۴: ۲۱). اما وقتی در عمل مشاهده می‌شود که توسعه نامتوازن مناطق شهری و شکل‌گیری محله‌هایی معروف به حاشیه، دربردارنده مسائل اجتماعی اجتناب‌ناپذیری است که تأثیر وجودی مهاجرت در آن‌ها به مثابه یک متغیر مداخله‌گر مستقیم یا غیرمستقیم، غیر قابل انکار است. لذا واکاوی مسائلی که بر روابط چندجانبه مهاجرت و نابرابری توجه دارد، ضروری است، و در این راستا پژوهش حاضر با تأکید بر این قضیه که درک نابرابری فقط با میزان برخوردارگی همبسته نیست، و در واقع درک نابرابری‌ها توسط افراد جامعه، نه فقط تابعی از نابرابری‌های عینی بلکه ذهنی نیز می‌باشد، درصدد است درک نابرابری را در زندگی مهاجرین روستایی که طی ۵۰ سال اخیر به شهر اراک (مرکز استان مرکزی) مهاجرت کرده‌اند، واکاوی کند. به همین منظور به پارامترهایی که در ایجاد درک نابرابری و شدت آن دخیل‌اند، خواهیم پرداخت و با توجه به اهمیتی که فضا و مکان در بروز درک نابرابری دارند، شناخت چگونگی فضا و مکان زندگی و نحوه تأثیرگذاری آن بر تجلی درک نابرابری را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم. نکته دیگر در رابطه با موضوع این پژوهش این است که درک نابرابری از طریق مقایسه تجربه می‌شود و جامعه آماری پژوهش حاضر، تجربه جابجایی و زندگی در شرایط جدید را داشته‌اند و ناخودآگاه یکی از قیاس‌هایی که بر درک‌شان از نابرابری مؤثر است، مقایسه زندگی خود در قبل و بعد از مهاجرت است. لذا به واکاوی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک خواهیم پرداخت. با این توضیحات پرسش‌های

1. Anomie

محوری عبارتند از: ۱. نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک چگونه درک و تفسیر می‌شود؟ ۲. چه پارامترهایی در ایجاد درک نابرابری دخیل هستند؟

چارچوب مفهومی

به گفته گرب^۱ نابرابری یکی از مانوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی است. نابرابری ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد، و تفاوت‌های اجتماعی از جمله متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به صورتی نهادی در می‌آیند، موجب بروز نابرابری‌اند. در واقع، نابرابری اجتماعی به‌طور کلی‌تر به تفاوت‌هایی میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و آن‌ها را اشغال کرده‌اند، اشاره دارد. همین تفاوت جایگاه یا موقعیت اجتماعی است که بر نحوه زندگی افراد به‌ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰-۹).

چارلز تیلی^۲ پایه‌های اخیر نابرابری را شامل چهار مجموعه منابع ارزشمند می‌داند: ۱. سرمایه مالی، ۲. اطلاعات، ۳. علم و ۴. رسانه برای حمایت و انتقال اطلاعات علم و سرمایه (رومرو^۳، ۲۰۰۵: ۲۴). در تبیین نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه‌شناسان مختلف در رویکردهای متفاوت کارکردی، تضادی و تلفیقی دیدگاه‌های خاص خودشان را مطرح کرده‌اند. جامعه‌شناسانی چون دورکیم^۴، پارسونز^۵، پارتو^۶، دیویس و مور^۷ و سامنر^۸ رویکرد کارکردگرایانه نسبت به نابرابری دارند، اما مارکس، دارندورف و فرانکفورتی‌ها رویکردی تضادی به نابرابری دارند و بالاخره وبر^۹، لنسکی^{۱۰} و گیدنز^{۱۱} رویکردشان نسبت به نابرابری تلفیقی است. در رویکرد

1. Grabb
2. Charles Tilly
3. Romero
4. Durkheim
5. Parsons
6. Pareto
7. Davis&Moore
8. Sumner
9. Weber
10. Lenski
11. Giddens

کارکردگرایی نابرابری نه تنها توسط برخی مکانیسم‌های خاص و اصول خاص تخصیص منابع، ایجاد می‌شود، بلکه برخاسته از توافق عام در مورد منزلت اجتماعی و توزیع کلی قدرت سیاسی سازماندهی شده است. از این منظر، نابرابری، دموکراتیک و ضروری است. چون تصور جامعه‌ای که در آن هیچ‌گونه تفاوت منزلتی و قدرت وجود نداشته باشد، دشوار است (تانسند، ۱۹۷۹: ۸۲). اما در دیدگاه تضادی تاریخ جوامع، تاریخ مبارزه بین ضعیف و قدرتمند است. در این رویکرد نابرابری نتیجه کارکرد سالم جامعه نیست بلکه صرفاً ناشی از بهره‌کشی ثروتمندان از فقرا است (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۴۸) در واقع پاداشی که جامعه به برخی از افراد می‌دهد به خاطر تلاش غیر معمول آنها نیست بلکه امتیازهایی ناعادلانه است که بر پایه داوری‌ها و ارزشگذاری‌های گروه غالب فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اعطا شده‌اند (گرب، ۱۳۸۱).

اما گیدنز با رویکردی تلفیقی، ضمن پذیرش عناصر اصلی آرای مارکس و وبر، با بیان اینکه نمی‌توان مرزهای مشخصی میان طبقات بالا، میانی و پایین رسم کرد، به جای صحبت از طبقات به مثابه گروه‌های مجزا که به روشنی در تمامی موارد مشخص شده باشند، توصیه می‌کند که ساختار طبقاتی را پدیده‌ای متغیر بدانیم که به‌طور معمول متشکل از سه طبقه است، ولی برحسب میزان ساخت یابی متغیر است. منظور گیدنز از میزان ساخت یابی این است که تا چه اندازه طبقات در طول زمان و در مکان‌های متفاوت به مثابه دسته‌های اجتماعی مشخص و متمایز پدید می‌آیند و بازتولید می‌شوند. به این ترتیب، می‌توان استدلال کرد که دارایی و صلاحیت‌های تحصیلی و نیروی کار به مثابه قدرت یا حقوق اصلی عمل می‌کند که اقتصاد و طبقات ناشی از آن را به هم متصل می‌سازد. در جوامع یا شرایطی که این سه عامل میانجی (واسطه) به‌طور معمول درون یک شغل یا جایگاه مشخص ترکیب نمی‌شوند، طبقات متمایزتر و ساخت یافته‌تر خواهند بود (گرب، ۱۳۸۱: ۲۰۳).

رویکردهای ذکر شده، بیشتر نگاهی عینی به مفهوم نابرابری دارند و بیشتر بر "سنجه‌های سخت" مثل درآمد و امتیازات، اطلاعات و... تأکید می‌کنند، در صورتی که، درک نابرابری همواره از طریق سنجش و مقایسه امکان‌پذیر می‌شود؛ به عبارتی، وحدت متضمن همسانی و برابری است، در حالی که در شرایط کثرت، ناهمسانی و به تبع آن نابرابری امکان بروز پیدا می‌کند.

1. Townsend
2. Cohen

شناخت این نابرابری مستلزم داشتن معیارها و سنجه‌هایی برای ارزیابی مقایسه است. با یک مقایسه تطبیقی می‌توان به وجود تفاوت و نابرابری پی برد. (لهسائی‌زاده، ۱۳۸۰). لذا مفهوم نابرابری از بعد ذهنی نیز قابل طرح و بحث است. بعد ذهنی نابرابری بر "سنجه‌های نرم" همچون احساس رضایت از درآمد و مسکن و جایگاه اجتماعی و... اشاره دارد. در واقع همان‌طور که از نظر صاحب‌نظران (راس^۱، ۲۰۰۸ و دینر^۲، ۲۰۰۵)، مفهوم "رفاه" فقط شامل بعد عینی نیست و برای شناخت و سنجش این مفهوم باید به بعد ذهنی آن نیز پرداخته شود (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۱)، مفهوم نابرابری نیز این‌گونه است. و بر همین اساس بدون نیز به مسئله کلی ادراک نابرابری‌ها (روابط میان نابرابری‌ها و محرومیت، و مدارا با نابرابری‌ها) اشاره می‌کند: ممکن است توزیع‌های کلی مشابه فلان یا بهمان نوع کالاها، خواه مادی و خواه نمادی، با سطوح کاملاً متفاوتی از محرومیت جمعی یا مدارای جمعی با نابرابری متناظر باشد و دلیلش این است که ساز و کارهای مقایسه غبطه‌آمیز تابعی است نه فقط از نابرابری‌های عینی، بلکه از تعدادی متغیرهای دیگر (بودون^۳ و بوریکو^۴، ۱۳۸۵: ۶۵۷).

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل سکونت به مقصد یا محل ورود است که به این نوع مهاجرت، مهاجرت دائم گویند که باید آن را از اشکال دیگر حرکت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست تفکیک کرد (امانی و همکاران، ۱۳۵۴: ۷۱). انگیزه‌های مهاجرتی افراد بسته به ویژگی‌های محیطی و شرایط زمانی-مکانی هر کانون سکونتگاهی برای فرار از محل زندگی و حرکت به سوی مکانی دیگر متفاوت است. این محرک‌های حرکتی می‌تواند هم ریشه در مقصد و هم در مبدأ داشته باشد. بدین معنا که عواملی سبب حرکت از مبدأ می‌شوند که اصطلاحاً به آن عامل "دافعه" می‌گویند و عواملی سبب تسریع حرکت در مقصد می‌شوند که به آن عامل "جاذبه" می‌گویند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۸۲).

۱. معتقد است رفاه ذهنی به دریافت‌های شخص از خود و بیش ذهنی از تجربه زندگی‌اش اشاره دارد.

۲. رفاه ذهنی را به انواع ارزیابی‌های افراد از زندگی شان اعم از مثبت و منفی اطلاق می‌کند و در مطالعات خود شاخص‌های کیفیت زندگی، دامنه رضایت، رضایت از زندگی، شادکامی، احساس منفی و احساس مثبت را برای رفاه ذهنی در نظر می‌گیرد.

3. Boudon

4. Bourricaud

مهاجرت به شیوه‌های مختلفی طبقه‌بندی شده و علل متعددی نیز برای آن ذکر شده است. مطابق نظریه جاذبه و دافعه اورت اس لی^۱، چهار عامل عمده در مهاجرت دخیل‌اند: عوامل موجود در مبدأ (فرصت‌های شغلی بهتر، دستیابی به درآمد بیشتر، وجود مراکز تفریحی، خدمات رفاهی و فرصت‌های کسب آموزش‌های حرفه‌ای^۲)، عوامل موجود در مقصد (کاهش منابع مالی، کم‌توجهی به بخش کشاورزی، بیکاری فزاینده)، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد (نظیر ممانعت‌های قانونی و فیزیکی) و عوامل شخصی نظیر سن، جنس، مهارت، نژاد، وابستگی سیاسی و تعلقات قومی (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

نظریه‌ای که به مدل "رانش" و "کشش" در باب مهاجرت‌های روستا-شهری معروف است، مبنای حرکت جمعیت را بر اندیشه "توسعه ناهماهنگ شهر و روستا" و به عبارت دیگر وجود تضاد و نابرابری اقتصادی-اجتماعی میان این دو فضای سکونتگاهی قرار می‌دهد؛ در واقع، در این دیدگاه مهاجرت عموماً ناشی از وجود نابرابری شغلی-درآمدی، کمبودهای خدماتی و تفاوت در سطوح کیفیت زندگی بین مناطق شهری و روستایی است (فیندلی، ۱۳۷۲: ۵۶). در دیدگاه اقتصادی، مهاجرت ناشی از تفاوت‌های شغلی-درآمدی و سطوح امنیتی بین مناطق شهری و روستایی است. در واقع موقعیت نسبی خانوارها نسبت به یک گروه مرجع خاص و همچنین درآمد مطلق خانوارها به‌عنوان انگیزه اصلی برای مهاجرت محسوب می‌شود (استارک و بلوم^۳، ۱۹۸۵؛ استارک و تیلور^۴، ۱۹۹۱).

دیدگاه‌های اجتماعی بدون آنکه از نقش عوامل اقتصادی در مهاجرت غفلت کنند، آن را تنها عامل برانگیختن مهاجرت نمی‌دانند. از نظر این دیدگاه‌ها روستائیان با توجه به اهداف عالی زندگی از حیث معیشتی-رفاهی که مد نظر دارند، دست به نقل مکان به شهرها می‌زنند. به عبارت دیگر، وجود عوامل مهمی از قبیل بروز مخاطرات محیطی (خشکسالی، سیل، زلزله)، رفع نیازمندی‌های زیستی-بیولوژیک، دسترسی به امکانات و تسهیلات معیشتی-رفاهی، به همراه دستیابی به شغل جدید و درآمد بیشتر، رفع فقر و بیکاری به لحاظ اقتصادی و برآوردن احتیاجات فرهنگی-اجتماعی همچون تحصیل، بالا بردن سطح فرهنگ و تمایل به زندگی در نقاط خاص

1. Everett. S. Lee

۲. جلالیان و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۰.

3. Stark and Bloom

4. Stark and Taylor

از مهمترین انگیزه‌های مهاجرت روستائیان به دیگر مراکز سکونتگاهی کشور محسوب می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۸۰).

با توجه به آنچه مطرح شد مهاجرت در یک زمینه ترکیبی جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روی می‌دهد و به همین دلیل الگوهای متفاوتی پیدا می‌کند؛ و از طرفی هم رابطه مهاجرت و نابرابری ساده و یک طرفه نیست، بلکه رابطه‌ای متقابل و دوسویه است. این دوسویگی در آن پیش‌زمینه‌های گوناگون و مرتبط با هم تحقق می‌یابد و این امر اشاره به پیچیدگی رابطه مهاجرت و نابرابری دارد. چنان که گاهی ممکن است مهاجرت در یک نیمرخ، باعث کاهش نابرابری شود و در شرایطی دیگر، شدت نابرابری را در پی داشته باشد. همچنین، همان‌طور که مهاجرت الگوهای متفاوتی می‌پذیرد، نابرابری نیز به مثابه یک واقعیت عمده اجتماعی، امری فضایی و چندبعدی است. مظاهر نابرابری نه فقط مرتبط با تفاوت طبقه‌ای، نژادی، ملی، جنسیتی، فرهنگی و عواملی مانند این‌هاست، بلکه بازناسی و تحلیل نابرابری، خود مبتنی بر دسته‌ای از معیارها و فروض آرمانی، و عینی است که دیدگاه‌های مختلف با تأکیدهای متفاوت به آن‌ها توجه دارند (مک داول، ۲۰۰۸: ۴۹۹-۴۹۶). بر این اساس واکاوی درک نابرابری در زندگی مهاجرین روستایی، علاوه بر متأثر بودن از کاهش و یا افزایش نابرابری عینی در زندگی آنها، از درک ذهنی‌ای متأثر است که ناشی از قیاس زندگی قبل و بعد از مهاجرت می‌باشد و طبیعتاً چگونگی این قیاس از معیارهای گوناگونی ناشی می‌شود.

پیشینه تحقیق

تأثیر مهاجرت و نابرابری بر یکدیگر یکی از موضوعاتی است که در تحلیل مسائل کلان هر منطقه و جامعه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است، و به همین دلیل مطالعات متعددی پیرامون آن صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. ها^۱ و همکارانش (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر مهاجرت روستایی بر ضریب جینی روستاها در کشور چین پرداختند. آنها این تحقیق را با استفاده از داده‌های پانل و با هدف تعیین اثر پویای مهاجرت از روستا به شهر و تأثیر آن بر نابرابری روستایی انجام دادند. ها و همکارانش به این نتیجه رسیدند که رابطه پویای بین مهاجرت و درآمد روستایی به صورت U معکوس است؛ به این معنا که مهاجرت همزمان^۲ نابرابری در

1. Ha
2. Contemporary Migration

درآمد را افزایش داده ولی مهاجرت با تأخیر^۱ نابرابری در درآمد را کاهش می‌دهد. دبرو^۲ (۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) طی دو مطالعه به بررسی تأثیر مهاجرت فصلی نیروی کار روستایی بر کشاورزی و ارتقای استانداردهای زندگی آن‌ها در ویتنام پرداخته است و نتیجه گرفته است که مهاجرت فصلی، اثر مثبت بر کشاورزی دارد و استانداردهای زندگی از جمله توزیع درآمدی روستائینی که مهاجرت فصلی دارند را بهبود می‌بخشد.

رهبان و راوه^۳ (۲۰۰۶) با تمرکز بر جریان مهاجرت آمریکا در بین ایالات آمریکا به بررسی ارتباط شاخص‌های کیفیت زندگی و مهاجرت پرداخته‌اند. آنها مطالعه خود را برای دو دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۶۵ و ۱۹۹۰-۱۹۸۵ انجام دادند. بر اساس یافته‌های آنها در دوره زمانی اول، اغلب متغیرهای کیفیت زندگی بی‌معنی بوده‌اند و سه متغیر در تشریح مهاجرت‌های بین ایالات معنی‌دار بوده که دو متغیر از این سه متغیر، متغیرهای اقتصادی شامل درآمد سرانه و اشتغال بوده است و در دوره زمانی دوم نیز تنها متغیر کیفیت زندگی معنی‌دار در هر دو مدل، نرخ بزهکاری بوده است.

لیپتون^۴ (۱۹۸۰)، مهاجرت داخلی در جامعه هندی را به‌طور تجربی بررسی کرده و نشان داده است که تأثیر نابرابری در درون روستاهای مهاجرفرست، در شکل دادن به مهاجرت تأثیر مشهود دارد. روستاهایی که با نابرابری بیشتری دست به‌گیریان هستند، مهاجر بیشتری را به بیرون می‌فرستند. از سوی دیگر، مهاجران معمولاً از مولدترین گروه‌های اجتماعی هستند؛ با وجود این، آن‌هایی که متعلق به لایه‌های ثروتمند هستند، مهاجرت موفقیت‌آمیزتری دارند و از این رو ساختارهای قدرت نابرابر، همچنان تغییر ناپذیر باقی می‌مانند و مهاجرت هم در تقویت این نابرابری کمک می‌کند (لیپتون، ۱۹۸۰).

در ایران نیز مطالعات مختلفی در ارتباط با نابرابری و مهاجرت انجام شده است. ابریشمی و همکارانش (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر پویایی مهاجرت از روستا به شهر بر نابرابری درآمدی: مورد مطالعه مناطق روستایی ایران"، بر اساس آمار مناطق روستایی ۳۰ استان ایران در دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۵، با روش داده‌های ترکیبی (پانل) و با استفاده از مدل اقتصادسنجی گشتاورهای

1. Lagged Migration
2. Debraw
3. Rebhun and Raveh
4. Lipton

تعمیم یافته (GMM)، میزان اثرگذاری متغیرهای مهم مناطق روستایی ایران، به خصوص متغیر مهاجرت روستایی را بر نابرابری درآمدی روستایی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تجربی پژوهش آنها نشان داده که مهاجرت در ابتدای امر موجب افزایش نابرابری درآمدی روستایی شده و در دوره بعد، اثری کاهنده بر شکاف درآمدی روستایی داشته است.

زمانی نیه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "تأثیر مهاجرت روستایی در بازتولید نابرابری اجتماعی"، روند مهاجرت را با روند نوسازی همسو قرار داده و اثرات تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ در سطح کلی و خرد را مطرح کرده است. بر اساس نتایج مطالعه او، این آثار در مبدأ (روستا) کاهش نیروی انسانی و کم‌کم از دست دادن زمین است و در مقصد (شهر) ایجاد کپر و حاشیه‌نشینی و در ادامه دامن زدن به مشکلات خیلی بیشتر، مانند آلودگی محیط زیست، بیکاری و کم‌کاری، کمبود بهداشت، بالا رفتن سطح هزینه‌ها و ده‌ها مشکلات دیگر می‌باشد. طبق نتایج، همچنین شهرها سرمایه و نیروی انسانی کارآمد را به خود جلب می‌کنند و باعث تخلیه شدن دیگر مناطق و مخصوصاً مناطق محروم می‌شوند و این باعث دوگانگی اقتصادی می‌شود.

مهرگان و زمانی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر مهاجرت روستایی و افزایش شهرنشینی بر توزیع درآمد با تأکید بر نظریه کوزنتس پرداختند. آنها برای این منظور از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۵۱ الی ۱۳۸۹ استفاده نموده و از روش اقتصادسنجی بهره گرفتند. نتایج مطالعه آنها نشان داد رشد شهرنشینی و افزایش مهاجرت ابتدا باعث کاهش نابرابری اقتصادی شده و پس از یک حد معین، منجر به افزایش نابرابری شده است.

شفیعی کاخکی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "مهاجرت؛ نابرابری درآمد یا ارتقاء کیفیت زندگی"، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی، انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی مهاجرت را در کلیه استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ بررسی نمود. نتایج مطالعه او نشان‌دهنده تأثیر مثبت انگیزه‌های درآمدی و تأثیر منفی شاخص‌های غیراقتصادی به‌عنوان انگیزه‌های غیراقتصادی بوده است.

آنچه از بررسی پژوهش‌های انجام شده بر می‌آید این است که این پژوهش‌ها تأثیر مهاجرت و نابرابری بر یکدیگر را بیشتر با روش‌های کمی و شاخص‌های عینی و اقتصادی چون توزیع درآمد، اشتغال و سطح هزینه‌ها بررسی کرده‌اند، در واقع در تحقیقات داخلی و خارجی، موردی

که به درک نابرابری، به عنوان مقوله‌ای ذهنی، در زندگی مهاجرین پرداخته باشد، وجود ندارد. مواردی هستند که با روش کیفی به بررسی برابری در مراقبت‌های بهداشتی در زندگی پناهندگان، پرداخته‌اند (هان و همکاران، ۲۰۲۰)، اما درک آنها از نابرابری را مورد واکاوی قرار نداده‌اند، بلکه از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با پناهندگان و متخصصان مراقبت‌های بهداشتی، موانعی را که دسترسی آنها به منابع را محدود کرده و موجبات نابرابری در زمینه‌های گوناگون را فراهم کرده، بررسی کرده‌اند. مواردی هم که درک نابرابری بر اساس مقایسه با گروه‌های هم‌نوع یا متجانس را طرح کرده‌اند (از جمله مطالعه نل و استیکس، ۲۰۱۷)، این درک را در زندگی مهاجرین بررسی نکرده‌اند، و یا مواردی که تمایل به مهاجرت را با روش کیفی بررسی کرده‌اند (از جمله مطالعه طاهری دمنه و کاظمی، ۱۳۹۷) صرفاً پدیده مهاجرت را از ساحت تصاویر ذهنی مربوط به آینده بررسی کرده‌اند و در واقع تأثیر مهاجرت بر درک نابرابری در این پژوهش‌ها مورد بحث نبوده است. بر این اساس، انجام مطالعه‌ای که به روش کیفی چگونگی درک مهاجرین از نابرابری در زندگی‌شان را واکاوی کند، در کنار پژوهش‌هایی که به روش کمی تأثیر مهاجرت بر نابرابری، از جنبه‌های گوناگون، را نشان داده‌اند، حائز اهمیت است.

روش تحقیق و داده‌ها

روش این پژوهش کیفی و از نوع گراند تئوری^۱ است و این روش به آفرینش نظریه به روش استقرایی منتهی شده و تلاشی است برای درک درست و احساس مناسب از وقایع روزمره و دنیای مشارکت کنندگان، آن‌طور که خود آنها ساخته‌اند (حاج باقری و همکاران، ۱۳۶۸: ۱۲۵-۱۲۰). در واقع، کاوش در فرایندهای اجتماعی و تعاملی در حال ساخت توسط کنشگران در زندگی روزمره، هدف اصلی در این روش است. در پژوهش حاضر، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته و مشاهده گردآوری شده‌اند. مصاحبه نیمه‌ساخت یافته این امکان را به محقق می‌دهد که ضمن داشتن چارچوبی روشن و مشخص برای جمع‌آوری اطلاعات و طرح پرسش‌ها، در صورت لزوم و متناسب با روند مصاحبه، تغییرات لازم را ایجاد کند و یا سؤال‌هایی را برای روشن شدن مطلب طرح نماید.

1. Grounded Theory

در این پژوهش ۲۲ مصاحبه عمیق با مردان و زنانی که طی ۵۰ سال اخیر (۱۳۴۵-۱۳۹۵) از روستا به شهر اراک مهاجرت کرده‌اند و در واقع هم تجربه زندگی در روستا و هم تجربه زندگی در شهر اراک را دارند، صورت گرفته است. شیوه انتخاب افراد نمونه، نمونه‌گیری مبتنی بر هدف یا مبتنی بر نمونه‌گیری نظری بوده است. در این روش، محقق به‌طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری (که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و کدگذاری انتخابی می‌باشد) و سپس تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری نماید و آن‌ها را از کجا پیدا کند تا از این طریق نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند (فلیک، ۱۳۸۷: ۸۷). مبنای داوری درباره تعیین حجم نمونه و توقف نمونه‌گیری نیز اصل اشباع نظری بوده است.

به‌منظور یافتن نمونه‌ها، ابتدا نمونه‌هایی که محقق سابقه آشنایی با آنها را داشت و شرایط لازم را داشتند و سپس استراتژی نمونه‌گیری گلوله برفی ملاک قرار گرفت. البته معیارهایی چون سن، زمان مهاجرت، میزان تحصیلات، شغل و وضعیت طبقاتی، معیارهایی بودند که سعی شد در تنوع دادن به نمونه‌های انتخابی مورد توجه قرار گیرند. با توجه به اهمیت داشتن میزان رضایت از زندگی قبل از مهاجرت و انگیزه مهاجرت و تأثیر آن بر درک نابرابری در مهاجرین روستایی مورد مطالعه، سؤالات پژوهش با بررسی تاریخچه‌ای از زندگی فرد و خانواده او به لحاظ پیشینه مهاجرتی، و انگیزه‌های آن آغاز شد و در ادامه با محور درک نابرابری و نابرابری ادامه یافت. تفاوت مختصات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی شهر و روستا، تعدد و کیفیت ارتباطات، و میزان تحقق اهداف مهاجرت مورد پرسش قرار گرفت. مصاحبه‌ها در سال ۱۳۹۷ و در بازه زمانی پنج ماهه انجام شده است. میانگین زمان صرف شده برای هر مصاحبه ۷۰ دقیقه بوده است و تمامی مصاحبه‌ها با اطلاع قبلی افراد، ضبط و سپس کدگذاری و پیاده‌سازی شدند. در این پژوهش ابتدا کلیه مصاحبه‌ها به متن تبدیل و سپس در سطح عبارت خرد شدند. در مرحله کدگذاری باز، که نخستین مرحله تحلیل داده‌های گراند تئوری است، مفاهیم استخراج شد. بدین معنی که ابتدا متن‌های مصاحبه خط به خط خوانده شد، سپس در یک کادر خط‌ها مورد تفسیر قرار گرفت و از هر کدام یک یا چند مفهوم استخراج گردید، آنگاه که کار مفهوم

سازی پایان یافت، از تجمیع مفاهیمی که حول یک موضوع خاص قرار گرفتند مقوله‌سازی صورت گرفت. در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی انجام و مقوله هسته استخراج شد و در محور تحلیل‌های پژوهش حاضر قرار گرفت.

برای اعتبارسنجی یافته‌ها نیز طبق نظر کرسول^۱ عمل شد. بر این اساس، پژوهشگران کیفی به‌منظور افزایش اعتبار پژوهش‌های خود باید در هر پژوهش حداقل از دو راهبرد استفاده کنند: ۱. تطبیق توسط اعضا^۲: پژوهشگر از دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برقرار ساختن اطمینان‌پذیری یافته‌ها و تفاسیر استفاده می‌کند (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۳۳ و کرسول ۱۳۹۴: ۲۵۵). محقق در این تحقیق، ضمن درگیر بودن کامل با موضوع در تمام مصاحبه‌ها و ایجاد ارتباط خوب با مشارکت‌کنندگان در تحقیق، در پایان هر مصاحبه، درون مایه‌های مرتبط با درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت (که از مصاحبه استخراج شد) را به شرکت‌کننده بازخورد داده تا از درستی آن مطمئن و در صورت هرگونه مغایرت، اصلاح شود، که این امر به اعتبار درونی^۳ نتایج تحقیق کمک کرد. ۲. بررسی همکار^۴: نوعی کنترل بیرونی بر فرآیند پژوهش است. کرسول (۱۳۹۴) این نقش را همانند نقش "منتقد مدافع"^۵ می‌داند؛ فردی که با پژوهشگر صادق است و سؤال‌های چالش‌برانگیزی در مورد روش‌ها، معانی و تفاسیر ارائه می‌کند. در این پژوهش یکی از اساتید و دو نفر از هم‌دوره‌های پژوهشگر (دانشجویان دوره دکتری) فرآیند شناسه‌گذاری را بررسی کردند و نظر آنها در تدوین الگو مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

مصاحبه‌شوندگان این پژوهش از نظر سن، زمان مهاجرت، میزان تحصیلات، شغل و وضعیت طبقاتی، دارای شرایط متفاوتی هستند که جدول ۱ نشان‌دهنده آن است.

1. Creswell
2. Member Checking
3. Internal Validity or Gredibility
4. Peer debriefing
5. Devils Advocate

واکاوی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت از روستا به شهر ... ۱۰۵

جدول ۱: مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

شماره	جنسیت	سن	تحصیلات	زمان مهاجرت	شغل
۱	مرد	۶۸	سیکل	۵۰ سال قبل	بازنشسته ماشین‌سازی و مغازه‌دار (سوپر مارکت)
۲	مرد	۶۵	دیپلم	۴۷ سال قبل	معلم بازنشسته (ابتدایی)
۳	مرد	۴۵	سیکل	۲۳ سال قبل	راننده تاکسی
۴	مرد	۴۱	سیکل	۱۹ سال قبل	سرایدار پاساژ
۵	مرد	۶۲	ششم ابتدایی	۳۴ سال قبل	راننده تاکسی
۶	مرد	۵۳	ششم ابتدایی	۳۶ سال قبل	بنای ساختمان
۷	مرد	۵۷	سیکل	۳۵ سال قبل	بازنشسته کارخانه ماشین‌سازی (کارگر)
۸	مرد	۴۲	ششم ابتدایی	۲۶ سال قبل	کارگر روزمزد
۹	مرد	۵۵	سیکل	۳۸ سال قبل	مغازه‌دار (خوراکی‌فروشی)
۱۰	مرد	۴۳	ابتدایی	۱۶ سال قبل	بیکار (دست فروش)
۱۱	مرد	۴۸	سیکل	۳۱ سال قبل	ابتدا بنای ساختمان و الان بساز بفروش ساختمان
۱۲	مرد	۴۰	سیکل	۱۸ سال قبل	جوشکار
۱۳	مرد	۴۷	لیسانس	۲۹ سال قبل	دبیر
۱۴	مرد	۵۲	دکتر	۳۶ سال قبل	پزشک (متخصص بیهوشی)
۱۵	مرد	۵۰	فوق لیسانس	۳۵ سال قبل	رئیس امور مالی اداره دولتی
۱۶	زن	۴۳	لیسانس	۲۵ سال قبل	پرستار
۱۷	زن	۵۲	ابتدایی	۳۲ سال قبل	خانه‌دار
۱۸	زن	۵۵	ابتدایی	۲۲ سال قبل	خانه‌دار
۱۹	زن	۳۷	لیسانس	۱۹ سال قبل	وکیل
۲۰	زن	۶۳	سوادآمخته نهضت	۳۷ سال قبل	خانه‌دار
۲۱	زن	۳۷	فوق لیسانس	۱۸ سال قبل	دبیر
۲۲	زن	۴۲	ابتدایی	۲۰ سال قبل	کارگر رستوران

به منظور واکاوی بهتر یافته‌های این پژوهش ابتدا تقسیم‌بندی دوگانه‌ای از شرایط عینی مصاحبه‌شوندگان، یعنی مهاجرین روستایی که طی ۵۰ سال اخیر به شهر اراک مهاجرت کرده‌اند، ارائه خواهیم کرد:

مهاجرین ساکن در حاشیه‌های شهر، بیکار یا دارای شغل‌های فصلی و موقت: این مهاجرین که اغلب زمان مهاجرت‌شان متأخرتر و حدود ۲۵-۱۵ یا ۳۰-۲۰ سال قبل است (بر اساس زمان مهاجرت مصاحبه شونده‌گان) کسانی هستند که با تحصیلات پایین و بدون داشتن مهارت خاص، و نیز بدون داشتن سرمایه حداقلی از روستا مهاجرت کرده‌اند و در نتیجه نتوانسته‌اند شغلی در شهر برای خود ایجاد کنند. در واقع این افراد در روستا جزء قشر کم درآمد (کسانی که فاقد زمین بوده و یا مقدار زمین کمی در اختیار داشته‌اند) بوده‌اند و بعد از مهاجرت نیز در حاشیه‌ها ساکن شده‌اند و معمولاً شغل ثابت و بیمه که امنیت اقتصادی برای آنها ایجاد کند، ندارند.

مهاجرین ساکن در مناطق غیرحاشیه‌ای و دارای شغل ثابت (دولتی یا خویش‌فرما): این مهاجرین اغلب در چند دسته قرار می‌گیرند: ۱. کسانی که یا نسبت به دسته پیشین، زمان قبل‌تری مهاجرت کرده‌اند (زمانی که بخش صنعت، کارگران بسیاری را از همین گروه در خود جذب کرد و یا با داشتن تحصیلاتی در حد دیپلم یا پایین‌تر امکان جذب در بخش‌های دولتی وجود داشت).^۲ کسانی که با داشتن مهارتی خاص مهاجرت کرده‌اند و یا بعد از مهاجرت، مهارت خاصی را آموخته‌اند و به واسطه این مهارت جایگاه نسبتاً ثابتی در بازار کار دارند. ۳. افرادی که در روستا نیز موقعیت خوبی از نظر کشاورزی و میزان زمین داشته‌اند و اغلب با فروش زمین‌ها توانسته‌اند سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب و کار ثابت (خویش‌فرما) را فراهم کنند. ۴. کسانی که با وجود اینکه زمان مهاجرت‌شان اخیرتر است اما به واسطه تحصیلات‌شان، موقعیت شغلی به‌دست آورده‌اند (وکیل، دبیر و...) و به واسطه همین موقعیت تحصیلی و شغلی مهاجرت کرده‌اند.

در این مطالعه، یافته‌ها را بر اساس الگوی پارادایمی استراس و کوربین تشریح کرده‌ایم. این الگو بیانی از زمینه، شرایط علی، پدیده مرکزی، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌باشد. مطابق این الگو باید مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده در مراحل کدگذاری را در ذیل سلسله روابطی به یک مقوله محوری مرتبط کرد. در این پژوهش ۵۰ مفهوم اولیه در مرحله کدگذاری باز تعیین شد و در مرحله کدگذاری محوری ۱۵ مقوله استخراج شد و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی یک مقوله هسته به دست آمد.

۱. اراک به‌عنوان یک شهر صنعتی، تا قبل از ورود متولدین دهه ۱۳۶۰ به بازار کار، کارگران زیادی را از روستاها و شهرهای دیگر در خود جذب کرد.

جدول ۲: مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقولات	محورهای اصلی
استمرار فقر در زندگی بعد از مهاجرت، عدم تأمین نیازهای اولیه زندگی، محدودیت در دسترسی به امکانات، شرایط سخت اقتصادی در سال‌های اول مهاجرت، تحول در شرایط زندگی	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	
اختلاف درآمد بین شغل‌ها، تفاوت شأن اجتماعی شغل‌ها	ناهمگنی منزلتی	
همگنی از نظر سطح برخورداری‌ها، یکسانی سبک زندگی، تشابه شغلی، نمایش برخورداری‌ها و امکانات زندگی، تفاوت میزان هزینه‌کردها	کیفیت سبک زندگی	شرایط علی
مشروع / نامشروع دانستن تفاوت در میزان برخورداری‌ها، مقایسه میزان برخورداری خود با دیگران متعلق به طبقات اقتصادی بالاتر، احساس بی‌عدالتی نسبت به اختلاف برخورداری‌ها، از بین رفتن مرزهای موقعیتی	نحوه درک برخورداری	
قیاس دائم / عدم قیاس امکانات زندگی خود با دیگران، احساس بد حاصل از قیاس محرومیت‌های خود در مقابل برخورداری‌های دیگران، رقابت مداوم در نمایش برخورداری‌ها	مقایسه	
ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی تشابه معیشتی، روشن نبودن مرز حوزه خصوصی و عمومی، همراهی و همدلی نزدیکان - اجتماعی روستا (خویشاوندان و همسایه‌ها) با یکدیگر در مشکلات زندگی		
تفاوت در میزان برخورداری طبقات مختلف، نمایش امکانات زندگی در شرایط فضایی شهر، گسترش حریم خصوصی، تفکیک حوزه خصوصی و عمومی، عدم اطلاع نزدیکان از شرایط زندگی خصوصی یکدیگر	ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی شهر	شرایط زمینه‌ای
امکان رویت مجازی برخورداری‌های دیگران، قیاس زندگی خود با زندگی‌های رؤیت شده از طریق رسانه، احساس عمیق‌تر نابرخورداری	نمایش رسانه‌ای	
گسترش روابط به واسطه تعدد موقعیت‌ها، تعدد مواجهات رودررو فارغ از عمق آنها	ویژگی شبکه روابط	شرایط مداخله‌گر
اطلاع از شرایط زندگی یکدیگر، روابط عمیق و همدلانه، همراهی افراد غنی در جهت رفع مشکلات مالی افراد ضعیف‌تر، روابط خویشاوندی مسئولانه		
همگن بودن زندگی‌ها به واسطه عمومیت فقر، فاصله بین زندگی‌های گذشته و امروزی از نظر سطح برخورداری	کیفیت سطح زندگی	
پذیرش تقدیرگرایانه نابرخورداری، ناگزیر بودن از پذیرش شرایط، احساس ناتوانی از بهبود بخشیدن به شرایط	مدارا	
منحفی کردن شرایط واقعی زندگی (فضای حقیقی / مجازی)، نمایش غیرواقعی از وضعیت زندگی (فضای حقیقی / مجازی)	تظاهر دروغین به برخورداری	استراتژی
بدیلی جهت تعدیل نابرخورداری	دریافت کمک از سازمان‌های حمایتی	
پارادوکس رضایت عمیق‌تر از زندگی با وجود سطح پایین برخورداری‌ها، پارادوکس نارضایتی از زندگی با وجود ارتقاء سطح برخورداری‌ها	نارضایتی از زندگی	
احساس بی‌عدالتی در توزیع امکانات زندگی بین طبقات مختلف، احساس ناتوانی در امکان دسترسی به برخی امکانات	احساس تمایز	پیامد

• شرایط علی

شرایط علی به علل و موجبات اصلی که پدیده مورد اکتشاف از آن‌ها ناشی می‌شود اشاره دارد (فراستخواه، ۱۳۹۷: ۱۰۰). در واقع در اینجا به عللی می‌پردازیم که موجبات درک نابرخورداری را برای مصاحبه‌شوندگان در زندگی قبل و بعد از مهاجرت‌شان از روستا به شهر فراهم کرده است.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

یکی از اصلی‌ترین عللی که در ایجاد درک نابرخورداری دخیل است پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد است. به گفته کوئن پایگاه اقتصادی-اجتماعی، موقعیتی است که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۴۰). در واقع، این پایگاه به فرد نشان می‌دهد که چه جایگاهی در شبکه روابط اقتصادی و اجتماعی دارد و فرد نیز با درک این پایگاه است که خود را می‌فهمد و کنش‌های خود را شکل می‌دهد. بر این اساس، بدیهی است که درک نابرخورداری فرد با چگونگی پایگاه اقتصادی-اجتماعی‌اش همبسته باشد. همان‌طور که در تقسیم‌بندی مصاحبه‌شوندگان ملاحظه شد، بر اساس یافته‌ها نیز مهاجرینی که ساکن حاشیه‌ها و بیکار یا دارای شغل موقت هستند و در واقع به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین متعلق بوده و هستند، در هر دو زندگی قبل و بعد از مهاجرت نابرخورداری را درک کرده‌اند.

مرد دست فروش، ۴۳ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۱۶ سال قبل: "اون موقع نداشتیم، الان هم نداریم، همش تو بدبختی زندگی کردیم. کارگر روز مزد: تو روستا کمتر سختی کشیدیم. آمدیم اینجا مستأجری، بیکاری، همه چیز گرون، له می‌شه آدم اینجا!"

البته پایگاه اقتصادی-اجتماعی هم محول و هم اکتسابی است در نتیجه این پایگاه الزاماً در زندگی قبل و بعد از مهاجرت مصاحبه‌شونده‌ها یکسان نیست و می‌تواند تغییر کرده باشد. همان‌طور که برای برخی از مهاجرین دسته دوم تغییر کرده:

پرستار، زن، ۴۳ ساله، لیسانس، مهاجرت ۲۵ سال قبل: "من تو روستا که بودم. خوب بود. مدرسه می‌رفتم. کم و کسری نداشتیم. اما نسبت به دخترای فامیل که تو شهر بودن، مخصوصاً اونایی که تهران بودن احساس کمبود می‌کردم. منم دلم می‌خواست مدرسه اون‌ها می‌رفتم. پاساژهایی که اون‌ها می‌رفتن... اما الان خدا رو شکر من از اون‌ها خیلی موفق‌ترم. من تونستم دانشگاه دولتی درس بخونم. الان شغل دارم."

حقوقم بد نیست. یعنی نسبت به خیلی از اونا جلوترم."

پزشک (متخصص بیهوشی)، مرد، ۵۲ ساله، مهاجرت ۳۶ سال قبل: "ادمی با شرایط من (مهاجرت در سن ۱۶ سالگی از خانواده‌ای با سطح برخورداری پایین سپس ادامه تحصیل، همزمان با کار در یک ساندویچی) مسلماً در زندگی فعلی برخورداری خیلی بیشتری داره البته از اول مهاجرت این طور نبوده و اون اوایل شرایط حتی خیلی بدتر و سخت‌تر از روستا بوده اما در زندگی حال حاضر کمبودی از نظر اجتماعی یا مالی ندارم."

ناهمگنی منزلتی

از دیگر عللی که درک نابرخورداری در زندگی شهری را نسبت به زندگی روستایی بیشتر کرده است، این است که در روستاها خصوصاً روستاهای زمان گذشته، تقسیم کار ساده بوده و در نتیجه، به نسبت، تعدد انواع شغل وجود نداشته است؛ در صورتی که یکی از ویژگی‌های بارز شهرها خصوصاً شهرهای امروزی، تقسیم کار پیچیده و در نتیجه تعددی از انواع شغل‌هاست که تفاوت‌های موجود بین این شغل‌ها از نظر سطح منزلت و درآمد، منجر به ایجاد ناهمسانی از نظر سطح برخورداری و در نتیجه درک نابرابری در افراد می‌شود.

پرستار، زن، ۴۳ ساله، لیسانس، مهاجرت ۲۵ سال قبل: "اونایی که تو همین بیمارستان کار می‌کنن، زمین تا آسمون بین موقعیت‌هاشون فرق هست؛ پزشک‌ها با بقیه پرسنل فرق دارن. از همه نظر؛ احترامشون، قدرت خریدشون، همه چیز!"

دبیر، زن، ۳۷ ساله، فوق لیسانس، مهاجرت ۱۸ سال قبل: "خیلی فرق هست بین شغل‌ها. شما الان یه وکیل رو در نظر بگیر، با لیسانس هم می‌تونه وکیل باشه. خوب البته آزمون و دوره و اینا داره، ولی واقعاً درآمدش، پرستیژش یکی هست با یه دبیر؟ من خودم الان فوق لیسانس دانشگاه سراسریم، با هیجده سال سابقه. چقدر می‌گیرم؟ هر چقدر هم که تو کارم خوب باشم، با یه وکیل که تو کارش خوب باشه با هیجده سال سابقه قابل مقایسه‌ام؟"

کیفیت سبک زندگی

نمود تفاوت‌ها از دیگر عللی است که بر درک نابرخورداری تأثیر می‌گذارد. در واقع، در جامعه‌ای که تفاوت‌ها بیشتر نمود داشته باشند، نابرخورداری‌ها بیشتر درک می‌شوند. از جمله پارامترهایی که میزان برخورداری‌ها یا نابرخورداری‌ها در آن نموده می‌شود سبک زندگی است. در این پژوهش نمود تفاوت‌ها در زندگی شهری نسبت به زندگی روستایی بیشتر است، چرا که فضای

روستایی خصوصاً در زمان گذشته چه از نظر اقتصادی و امکانات، و چه از نظر فرهنگی، فضایی نبود که مجال زندگی با سبک‌های متفاوت را به اقشار مختلف روستایی بدهد. کارگر رستوران، زن، ۴۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۲۰ سال قبل: "ما اینجا می‌بینیم ریخت و پاش‌های جورواجور رو؛ طرف برای تولد بچه‌اش خرج‌هایی می‌کنه که باورت نمی‌شه، مثل اینکه بچه‌اش واقعاً پرنسسه".

خانه‌دار، زن، ۵۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۳۲ سال قبل: "بعضیا همش تو فکر این چیزان، برن کلاس آشپزی غذا بپزن عکسشو بذارن، لباساشونو با شوهر و بچشون جور کنن عکس بندازن بذارن، اینا معلوم نیست دیگه چیه دراومده؛ ما اینو می‌خوریم ما اینو می‌پوشیم ما کجا رفتیم، قبلاً این چیزا نبود".

راننده تاکسی، مرد، ۶۲ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۳۴ سال قبل: "تو روستا شغل‌ها همه یکی بود، همه کشاورز بودن، یکی مهندس نبود، یکی دکتر، یکی کارگر. اگر هم اندازه زمین‌ها با هم فرق داشت، اما خونه‌ها و رخت و لباس مردم اینقدر با هم فرق نداشت".

نحوه درک بر خورداری

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد درک نابرخورداری در روستاها خصوصاً روستاهای گذشته نسبت به شهرها کمتر بوده است. چرا که اولاً امکان رؤیت بر خورداری دیگران کمتر وجود داشته و ثانیاً فرد، نابرخورداری خودش را با توجیهی تقدیرگرایانه و گاهی مذهبی می‌پذیرفته است. اما در شهرها خصوصاً شهرهای امروزی اولاً بر خورداری دیگران نمود بیشتری دارد و ثانیاً افراد به دلیل بالاتر رفتن سطح تحصیلات‌شان و گسترش فرد گرایی و تغییر باورهای تقدیرگرایانه و مذهبی، پذیرش بر خورداری دیگران و نابرخورداری خود را مشروع نمی‌دانند و در نتیجه نابرخورداری بیشتری را درک می‌کنند.

بازنشسته و مغازه‌دار، مرد، ۶۸ ساله، سیکل، مهاجرت ۵۰ سال قبل: "اون موقع هم زندگی ارباب فرق داشته با زندگی رعیت، اما رعیت خودشو با ارباب مقایسه نمی‌کرد، به دختر رعیت نمی‌گفت چرا دختر ارباب این رخت و لباس رو داره، من ندارم. فکرش اینجوری بود که دختر ارباب، دختر اربابه؛ باید اونجوری باشه. اما الان دلش می‌خواد اینم مثل بچه فلانی ماشین خدادتومنی سوار شه. دیگه این فکر رو نداره که اون آقا کارخونه داره آقای من به کارمند یا به کارگره".

جوشکار، مرد، ۴۰ ساله، سیکل، مهاجرت ۱۸ سال قبل: "ادم تا چیزی رو نبینه دلش نمی‌خواد،

وقتی آدم هزار جور لباس و صد جور ماشین و بیست جور میوه همه موقع سال می‌بینم، خوب می‌گه آخه فرق ما با اونایی که اینا رو می‌پوشن و سوار می‌شن چیه، این درسته یه عده اونجوری، یه عده خودشون و زن و بچه‌شون همش تو حسرت؟"

رئیس امور مالی اداره دولتی، مرد، ۵۰ ساله، فوق لیسانس، مهاجرت ۳۵ سال قبل: "در گذشته مخصوصاً در محیط‌های کوچکی مثل روستا، خانواده‌ها جایگاه‌شون مشخص بود. من که از یه خانواده سرشناس بودم موقعیت خودم رو حس می‌کردم. ولی الان اینطور نیست شما هر قدر هم که زندگی مرفه‌ی داشته باشی موقعیت خودت رو احساس نمی‌کنی، الان همه خاندان‌اند؛ ندیدی هر پیرمردی می‌میره تو اعلامیه‌اش می‌نویسن بزرگ خاندان فلان!"

مقایسه

بر اساس نتایج مصاحبه‌ها درک نابرخورداری به واسطه مقایسه، در شهرها خصوصاً شهرهای امروزی، بیشتر اتفاق می‌افتد.

خانه‌دار، زن، ۶۳ ساله، سواد آموخته نهضت، مهاجرت ۳۷ سال قبل: "فلانی این رو خریده من نخریدم، بچه فلانی این مدرسه میره بچه منم باید بره. قبلاً اینطوری نبود. اینقدر چشم و هم چشمی نبود، اینقدر حسادت نبود، همین چیزا آرامش رو از آدم گرفته!"

دبیر، مرد، ۴۷ ساله، لیسانس، مهاجرت ۲۹ سال قبل: "وقتی من مجبور بودم به بچه‌ام بگم که به پزشکی دانشگاه آزاد فکر نکن در صورتی که بچه خواهر خودم یعنی دختر عمه‌اش دو سال پیشش رفته بود پزشکی آزاد، معلومه که هم خودم احساس بدی داشتم، هم بچه‌ام!"

پرستار، زن، ۴۳ ساله، لیسانس، مهاجرت ۲۵ سال قبل: "ادم مجبوره یه جوری زندگی کنه که کم نیاره، تو دوستا، فامیل، همکارا، اصلاً خود آدم به کنار، بچه‌ات اگر یه ذره از مامانای دوستاش ساده‌تر باشی صدات درمی‌آد!"

• شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای نشان‌دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند؛ به عبارتی، محل حوادث یا وقایع با پدیده‌ای در طول یک بُعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (استراس و کوربین، ۲۰۰۸). یکی از نکاتی که در مورد پژوهش حاضر وجود دارد، این است که زمینه این پژوهش (شرایطی که درک نابرابری مهاجرین در آن بررسی می‌شود) در دو بعد زمانی و مکانی قابل بحث است. بُعد مکانی شامل

شهر و روستا و بُعد زمانی شامل گذشته روستا^۱ و حال شهر می‌باشد. این نکته که گذشته یکی از مکان‌ها با حال مکان دیگر مقایسه می‌شود، باعث ایجاد یک سیر طولی در زمان در ذهن مصاحبه‌شونده می‌شود. در واقع، مصاحبه‌شونده‌ها برای بیان درکشان از نابرابری در زندگی قبل و بعد مهاجرت، دائم در دو جایگاه رفت و برگشت می‌کنند: گذشته روستا و حال شهر.

ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی روستا

در رابطه با فضای روستایی باید این نکته را متذکر شویم که فضای حاکم بر روستاها در ۵۰ سال اخیر که بازه زمانی مورد بحث در پژوهش حاضر است، بسیار تغییر کرده است. در واقع، بعد از اصلاحات ارضی و برهم خوردن ساختار اقتصادی روستاها و سپس بعد از انقلاب و اقدامات عمرانی که در روستاها اتفاق افتاد و پس از آن با گذر زمان و ورود بیشتر تکنولوژی، فضای حاکم بر روستاها بسیار متحول شده است. بر این اساس، فضای روستایی که هر کدام از مصاحبه‌شونده‌های این پژوهش در آن زندگی کرده‌اند، بسته به این که در چه زمانی بوده، از نظر شرایط اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی متفاوت است. در واقع مصاحبه‌شونده‌ای که ۴۸ سال پیش در روستا زندگی می‌کرده با مصاحبه‌شونده‌ای که ۱۳ سال پیش در روستا بوده فضای مشابهی را تجربه نکرده‌اند. اما همچنان می‌توان برخی خصوصیات اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی را به روستاها در مقایسه با شهرها نسبت داد. از جمله اینکه: در فضای اقتصادی حاکم بر روستاها نسبت به شهرها، علاوه بر خودکفایی، همانندی زیادی در وضعیت شغلی و معیشتی افراد وجود داشته و به عبارتی تمایز و تفاوت طبقات و اقشار خیلی مشهود نبوده است.

راننده تاکسی، مرد، ۶۲ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۳۴ سال قبل: "نو روستا شغل‌ها همه یکی بود؛ همه کشاورز بودن؛ یکی مهندس نبود، یکی دکتر، یکی کارگر. اگر هم اندازه زمین‌ها با هم فرق داشت، اما خونه‌ها و رخت و لباس مردم اینقدر با هم فرق نداشت".

فضای فرهنگی-اجتماعی نیز در روستاها نسبت به شهرها، فضایی نسبتاً بسته با حوزه عمومی گسترده و حوزه خصوصی بسیار محدودتر بوده است؛ به عبارتی گشادگی حوزه عمومی و سرایت آن به حوزه خصوصی در آن فضا مشهود بوده است. برخی خاطره‌های

۱. منظور از گذشته روستا زمانی است که مصاحبه‌شونده در روستا زندگی می‌کرده که می‌تواند تا ۵۰ سال اخیر را شامل شود.

مصاحبه‌شونده‌گان به خوبی این ویژگی‌ها را نشان می‌دهد:

خانه‌دار، زن، ۶۳ ساله، سوادآموخته نهضت، مهاجرت ۳۷ سال قبل: "من رفتم قهر؛ ۹ ماه قهر بودم. ۱۲ نفر از همسایه‌ها به سیاهه نوشتن و امضا کردن تا من برگشتم، گفتند دیگه مادرشوهرت دخالت نمی‌کنه (خناده)، الان زن و شوهر طلاق می‌گیرن خانواده‌های خودتون خبر نمی‌شن".

خانه‌دار، زن، ۵۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۳۲ سال قبل: "یه شب باران شدید و سیل اومد، دیوار حیاط ما اومد پایین. شوهرم راننده ماشین سنگین بود، نبودش. من سه تا بچه کوچیک داشتم، به خدا یکی از همسایه‌ها تا صبح دور خونه ما چرخید؛ گفت نترسی من اینجام. الان مردم اصلاً همسایشون رو نمی‌شناسن".

ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی شهر

از آنجا که فضای شهری که مصاحبه‌شونده‌های این پژوهش درک‌شان از نابرابری در آن را می‌گویند فضای زمان حال شهر است، لذا می‌توان در مقایسه با روستاها این خصوصیات را به شهر زمان حال نسبت داد: تعدد طبقات و اقشار اجتماعی به نسبت زیادتر است و تفاوت و ناهمگنی در وضعیت شغلی و معیشتی افراد وجود دارد و انواع متفاوتی از سبک زندگی دیده می‌شود. معلم باز نشسته ابتدایی، مرد، ۶۵ ساله، دیپلم، مهاجرت ۴۷ سال قبل: "نوهر دو زندگی، مردم با هم فرق داشتند. اما الان این خیلی شدیدتره، ظاهر زندگی دارا و ندار خیلی فرق داره، اون موقع اینقدر معلوم نبود. اینطور نبود که اون‌ها که نداره، دوچرخه هم نتونه سوار شه؛ اون که داره ماشین چندصد میلیونی... اصلاً اینطوری نبود، ماشینی نبود تو روستا که دارا داشته باشه و ندار نه؛ یا فرق خونه‌ها و سر و لباس اینقدر شدید نبود. الان دوران فراوانیه. اون‌ها که داره می‌تونه بخره، اون‌ها که نداره نمی‌تونه بخره، برای همین فرقشون خیلی زیاده".

فضای فرهنگی-اجتماعی نیز در شهرهای امروز، فضایی باز است و پیشرفت و گسترش تکنولوژی و رسانه و ارتباطات، گستره فرهنگی را گستره‌ای جهانی کرده است. در واقع گسترش فردگرایی و حریم خصوصی از ویژگی‌های بارز جامعه امروزی است.

خانه‌دار، زن، ۶۳ ساله، سواد آموخته نهضت، مهاجرت ۳۷ سال قبل: "ان زن و شوهر طلاق می‌گیرن؛ خانواده‌های خودتون خبر نمی‌شن. خانه‌دارا: الان مردم اصلاً همسایشون رو نمی‌شناسن".

• شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر نشان می‌دهند که تأثیر موجبات علی و زمینه‌ای خاص، با چه عوامل عمومی محیطی تعدیل می‌شوند (فراستخواه، ۱۳۹۷: ۱۰۰). در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که درک نابرخورداری مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک را در دو زندگی قبل و بعد از مهاجرتشان (یعنی در دو زمینه متفاوت) تعدیل و یا تشدید می‌کنند.

نمایش رسانه‌ای

امروزه حضور رسانه و تأثیری که بر عادات و رفتار افراد جامعه دارد بر کسی پوشیده نیست؛ رسانه گردش و مبادله پیام، اخبار و اطلاعات را بسیار تسریع کرده است. در پژوهش ما نیز رسانه یکی از عوامل مداخله‌گری است که امکان مقایسه زندگی خود با دیگران را تشدید می‌کند. در واقع، رسانه، خصوصاً رسانه‌های تصویری، افراد را به مقایسه برخوردارهای خود با برخوردارهای نمایش داده شده، حداقل به شکل ناخودآگاه و ذهنی، ترغیب می‌کند و به این ترتیب می‌تواند بر درک نابرخورداری دامن بزند.

کارگر روز مزد، مرد، ۴۲ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۲۶ سال قبل: "همین یخچال‌های پُر و غذاهایی رو که تلوزیون تبلیغ می‌کنه دیدی؟ آدم‌هایی با درآمدهایی مثل ما اینا رو تو خواب هم نمی‌تونیم ببینیم".

مغازه‌دار (خواربار فروش)، مرد، ۵۵ ساله، سیکل، مهاجرت ۳۸ سال قبل: "مردم الان ناراضی‌ترن؛ چون فرق خودشون رو با بقیه می‌بینن. این موبایل‌ها همه چیز رو، رو می‌کنه".

ویژگی شبکه روابط

کیفیت و چگونگی روابط مصاحبه‌شوندگان این تحقیق در زندگی قبل و بعد از مهاجرتشان از ابعاد مختلفی، متفاوت است. طبق نتایج مصاحبه‌ها، در روستا قشر غنی و ضعیف فاصله مکانی از یکدیگر نداشته‌اند و در محله‌های واحد زندگی می‌کرده‌اند، علاوه بر آن، افراد در پيله خصوصی و بی‌خبر از حال یکدیگر به سر نمی‌بردند و روابط نزدیک و عمیقی با یکدیگر داشته‌اند. در نتیجه، از احوال هم‌باخبر بوده‌اند و در نهایت، کمک و همراهی بیشتری به یکدیگر می‌کرده‌اند و این همراهی درک نابرخورداری را در قشر ضعیف‌تر تعدیل می‌کرده است. علاوه بر آن، آنها در شهر و در زمان حال، از دو جهت روابط گسترده‌تری را نسبت به زندگی قبلی‌شان

در روستا تجربه کرده‌اند و به همین جهت امکان بیشتری برای مقایسه برخورداری‌های خود با دیگران دارند: اولاً در بعد مکانی، زندگی در شهر نسبت به زندگی در روستا، امکان روابط متعددی را برای افراد فراهم می‌کند. ثانیاً در بعد زمانی، زندگی در حال حاضر، به واسطه پیشرفت تکنولوژی، امکان عضویت در شبکه‌های متعدد اجتماعی را به افراد می‌دهد که به معنای ارتباطات مجازی گسترده با افراد مختلف در مرزهای جغرافیایی متفاوت است.

راننده تاکسی، مرد، ۶۲ ساله تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۳۴ سال قبل: "تو روستا مردم از حال هم بیشتر خبر داشتند؛ به هم کمک می‌کردند؛ بالاخره همه تو روستا هم رو می‌شناختند، فامیل بودند، به داد هم می‌رسیدند. الان دیگه نه، مردم سال و ماه هم به هم سر نمی‌زنند."

بنای ساختمان، مرد، ۵۳ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۳۶ سال قبل: "بچه بودم، آقام مُرد. روزگاریم نداشتیم؛ به عمومی آقام داشت؛ خداییش بهمون می‌رسید. مثل بچه‌های خودش. در و همسایه هم همین جور؛ به حال هم خبر می‌شدند. آگه خودشون داشتن به اونی که نداشت می‌رسیدند. نون می‌پختند؛ باغشونو می‌چیدند؛ تعارفی می‌بردند، این جوری نبود که از هم بی‌خبر باشند."

وکیل، زن، ۳۷ ساله، لیسانس، مهاجرت ۱۹ سال قبل: "آگه زندگی من با زمان قبل از مهاجرتم فرق کرده فقط به خاطر این نیست که اون موقع تو روستا بودم و بعدش شهر. تو روستا دانش آموز بودم، توی شهر دانشجو، بعدش شاغل، متأهل، مادر؛ اینا همه زندگی رو تغییر میده؛ از همه نظر روابط رو بیشتر می‌کنه، دید آدم رو عوض می‌کنه. درسته؛ شاید اون موقع که من تو روستا دانش آموز بودم شرایطم با یه دانش آموز تو اراک یا تهران خیلی فرق می‌کرده. الان هم هنوز شرایط روستا با شهر فرق داره. البته تفاوت‌ها خیلی کمتر شده الان تو روستاها هم ماهواره دارن، گوشی هوشمند دارن، کلاً روابط، دید آدم، همه تغییر کرده."

بازنشسته کارخانه ماشین‌سازی (کارگر)، مرد، ۵۷ ساله، سیکل، مهاجرت ۳۵ سال قبل: "فقط دو ساعت بری تو مطب یه دکتر بشینی صد جور آدم می‌بینی رنگ و بارنگ".

کیفیت سطح زندگی

کیفیت پایین سطح زندگی از نظر خوراک و پوشاک و بهداشت و تحصیلات و... مجالی به افراد نمی‌دهد که به میزان برخورداری خود فکر کنند و احتمالاً خود را با دیگران مقایسه کرده و درکی از نابرخورداری داشته باشند. در واقع، ارتقای سطح زندگی در جامعه امروز خصوصاً در شهرها، فرصت و انگیزه مقایسه مدام زندگی خود با دیگری را برای افراد ایجاد کرده است و از آنجا که

میزان برخورداری‌ها برای همه یکسان نیست و افراد طبقات مختلف سهم متفاوتی از برخورداری‌ها را در اختیار دارند، در نتیجه مقایسه بیشتر برخورداری‌ها در شهر به درک نابرخورداری دامن می‌زند و در نتیجه، درک نابرابری را تشدید می‌کند.

بازنشسته کارخانه ماشین‌سازی (کارگر)، مرد، ۵۷ ساله، سیکل، مهاجرت ۳۵ سال قبل: "نابرابری زمان قدیم بود الان هم هست. ولی اون موقع فقر زیاد بود، مردم به فکر سیر کردن شکم بودن. الان زندگی‌ها بهتر شده، تحصیلات بالا رفته، مردم به فکر رقابت افتادند."

بازنشسته و مغازه‌دار، مرد، ۶۸ ساله، سیکل، مهاجرت ۵۰ سال قبل: "من همیشه به بچه‌هام می‌گم خدا ۵۰ سال پیش رو نیاره؛ فقر زیاد بود؛ مردم چیزی نداشتند؛ به نون بخور و نمیری بود. الان خیلی خوب شده برای عید بچه فقط دویست هزار تومان میدن به شلوار. اما خوب بازم اون موقع برابری بیشتر بود، کلاً چیز زیادی نبود، برای همه نبود، اما الان فاصله مردم با هم خیلی زیاده."

خانه‌دار، زن، ۶۳ ساله، سواد آموخته نهضت، مهاجرت ۳۷ سال قبل: "والا دختر اریابم روزی به دست لباس نمی‌پوشیده، الان هر روز میخوان خودشون رو به رنگ کنند."

• استراتژی‌ها

استراتژی‌های مصاحبه شونده‌گان، برای تعدیل درک نابرخورداری‌شان را می‌توان در سه مقوله اصلی زیر جای داد.

مدارا

این استراتژی که در آن فرد رویکردی منفعلانه نسبت به درک نابرخورداری خویش دارد؛ اشاره به وضعیتی می‌کند که در آن فرد مخاطرات زندگی‌اش را درک کرده و حتی نسبت به آنها دچار ناراحتی و تشویش نیز می‌باشد، اما به دلیل احساس ناتوانی در رفع و یا تعدیل وضعیت، چاره‌ای جز مدارا اتخاذ نمی‌کند.

سرایدار، مرد، ۴۱ ساله، سیکل، مهاجرت ۱۹ سال قبل: "می‌سازیم. دیگه چاره‌ای نداریم. خدای ما هم این‌جوری برامون خواسته."

دستفروش، مرد، ۴۳ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۱۶ سال قبل: "قسمت و روزی ما این بوده فقر و بدبختی، چه کار کنیم؟ اصلاً چه کاری از دستمون میاد که بکنیم."

تظاهر دروغین به برخورداری

تظاهر دروغین به برخورداری که اشاره به نمایش غیر واقعی از برخورداری در فضای حقیقی و مجازی دارد، در واقع روی دیگر استراتژی مخفی کردن شرایط واقعی زندگی است که به نوعی استراتژی‌های تقابلی در برابر درک نابرخورداری محسوب می‌شوند.

خانه‌دار، زن، ۵۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۳۲ سال قبل: "این چیزایی که می‌دارند همش راست هم نیست‌ها. من طرف رو می‌شناسم چیزی ندارن اصلاً، اونوقت دخترش یه عکسای می‌ذاره که بیا و ببین. دخترم نشونم میده، میگم اینا رو چجوری درست می‌کنند."

کارگر رستوران، زن، ۴۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۲۰ سال قبل: "با به نفر دوست شدم چند سال پیش، وقتی فهمیدم وضعشون از ما بهتره بهش راستشو نگفتم خونمون کجاست؛ وقتی فهمید ولم کرد گفت چرا بهم دروغ گفتی."

دریافت کمک از سازمان‌های حمایتی

این استراتژی با وجود اینکه از نظر بسیاری راحت‌طلبی و یا گسترش فرهنگ در یوزگی محسوب می‌شود. اما به هر حال راهبردی است جهت تعدیل نابرخورداری‌ها.

کارگر روزمزد، مرد، ۴۲ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۲۶ سال قبل: "کمک‌های بهزیستی و این خیریه‌ها، باز یه کم به داد آدمایی مثل ما می‌رسه."

• پیامد

در این بخش به برخی پیامدهایی که درک نابرخورداری می‌تواند در پی داشته باشد، اشاره می‌کنیم.

نارضایتی از زندگی

از جمله مباحثی که تا اینجا مطرح شد این بود که امروزه که به زندگی بعد از مهاجرت مصاحبه‌شوندگان، یعنی به زندگی آنان در شهر اشاره دارد، سطح عمومی زندگی ارتقا یافته، استفاده از رسانه بیشتر شده و دامنه روابط گسترش یافته است، که همگی این‌ها امکان مقایسه بیشتر زندگی خود با دیگران را فراهم می‌کنند، پیامدی که مقایسه بیشتر زندگی خود با دیگران برای افراد ایجاد می‌کند این است که آنها را در یک رقابت مداوم درگیر می‌کند و از آنجا که افراد میزان برخورداری‌های متفاوتی دارند، لذا جریان مداوم رقابت نارضایتی از زندگی را برایشان به همراه

می‌آورد و نارضایتی از زندگی می‌تواند منجر به ایجاد احساس اضطراب و ناآرامی در افراد شود. خانه‌دار، زن، ۵۲ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۳۲ سال قبل: "الان رفاه بیشتری، امکانات خیلی بیشتری، الان هر روز همه برنج می‌خورند ولی دلا خوش نیست. اون موقع رفاه اینقدر نبود ولی دلا خوش بود. دختر خاله لباس دختر خاله رو می‌پوشید، خواهر از خواهر می‌پوشید. اینقدر منم نبود، حسادت نبود. الان همه چیز هست اما دلا خوش نیست!"

احساس تمایز

از دیگر مباحثی که در مورد جوامع امروزی خصوصاً جوامع شهری مطرح شد این بود که تفاوت بین انواع شغل‌ها از نظر سطح منزلت و سطح درآمد زیاد است و از طرفی نیز بین ظاهر و سبک زندگی اقشار مختلف تفاوت زیادی وجود دارد. در ساختاری با این شرایط وقتی امکان مقایسه مداوم نیز وجود دارد (به واسطه رسانه و ارتباطات فیزیکی و مجازی گسترده)، بسیار بدیهی است که افرادی از پایگاه طبقاتی پایین‌تر و به عبارتی افرادی با سطح درآمد پایین‌تر با افراد پردرآمدتر که پایگاه طبقاتی بالاتری دارند احساس تمایز کنند. در واقع یک مقایسه غبطه‌آمیز در این شرایط بین طبقات پایین‌تر و بالاتر ایجاد خواهد شد که حس تمایز را در افراد ایجاد می‌کند که این احساس تمایز می‌تواند اعتماد اجتماعی را پایین آورده و در نتیجه همبستگی اجتماعی را کاهش دهد.

مغازه‌دار (خواربار فروش)، مرد، ۵۵ ساله، سیکل، مهاجرت ۳۸ سال قبل: "توزیع عادلانه نیست. همه چیز مال یه سری آدم‌های خاصه، یه عده توی چه کاخ‌هایی زندگی می‌کنند، یه عده بدبختا تو منجلا ب. نه شغلی، نه درآمدی. نمی‌دونم والا...!"

خانه‌دار، زن، ۵۵ ساله، تحصیلات ابتدایی، مهاجرت ۲۲ سال قبل: "الان روزگارمون نسبت به قدیم بهتره خدا رو شکر. اما اگه بخوایم الان خودمون رو با بقیه مقایسه کنیم، نه. ما الان هم خیلی ضعیفیم. حالا بدبخت‌تریم (با خنده). به خدا... (مکث). بچه‌های ما الان مثل بقیه‌اند؟ نمی‌دونم ماشین و رخت و لباس فلان، ما این چیزا رو نداریم. ما اصلاً نمی‌بینیم اونایی رو که هر کی تو خونه برای خودش یه ماشین داره و خونه‌های چند طبقه و... نه خداییش ما خیلی فرق داریم!"

معلم باز نشسته ابتدایی، مرد، ۶۵ ساله، دیپلم، مهاجرت ۴۷ سال قبل: "تو هر دو زندگی مردم با هم فرق داشتند؛ اما الان این خیلی شدیدتره. ظاهر زندگی دارا و ندار خیلی فرق داره. اون موقع اینقدر معلوم نبود. این نبود که اون‌ها که نداره دوچرخه هم نتونه سوار شه، اون که داره ماشین چندصد میلیونی!"

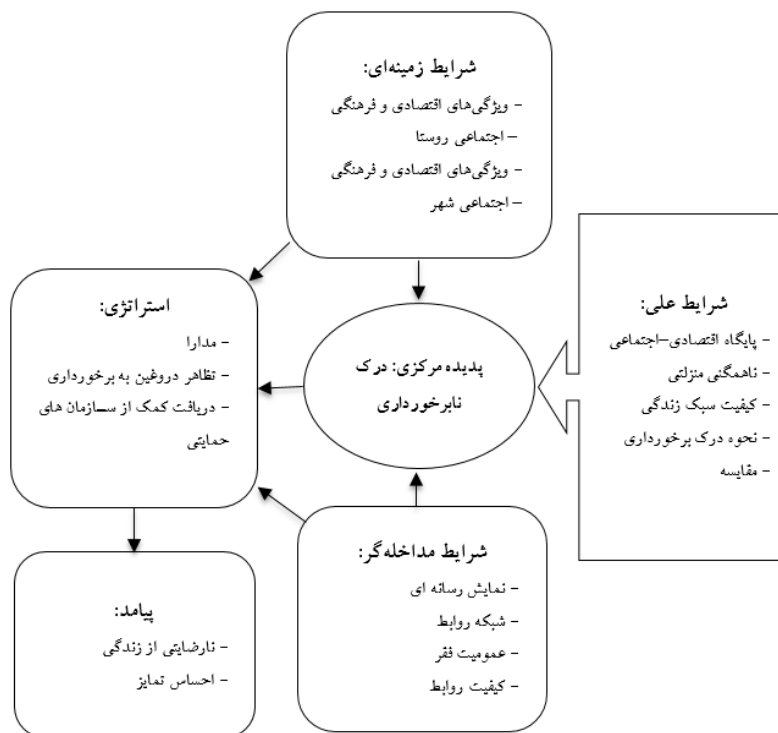
کارگر روز مزد، مرد، ۴۲ ساله، تحصیلات ششم ابتدایی، مهاجرت ۲۶ سال قبل: "همین یخچال‌های پُر و غذاهایی رو که تلوزیون تبلیغ می‌کنه، دیدی؟ آدم‌هایی با درآمدهایی مَث ما اینا رو تو خواب هم نمی‌تونیم ببینیم!"

مدل پارادایمی

مدل پارادایمی در مرحله کدگذاری گزینشی نمایان می‌شود. در این مرحله مقوله مرکزی (که سایر مقولات بر محور آن می‌گردند و کلیتی را تشکیل می‌دهند) به‌طور روش‌مند انتخاب و با ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها به نگارش نظریه اقدام می‌شود که شرحی انتزاعی برای فرایندی است که در پژوهش مطالعه شده است (دانایی فرد، ۲۰۰۶).

نمودار ۱: مدل پارادایمی درک نابرابری در زندگی قبل و بعد از مهاجرت در بین مهاجرین

روستایی ساکن شهر اراک.



بحث و نتیجه‌گیری

درک نابرابری، درکی است که در موقعیت و زمینه رخ می‌دهد و مقوله مرکزی‌ای که این درک را ایجاد می‌کند نابرخورداری است. اما درک نابرابری صرفاً از نابرخورداری‌های عینی متأثر نیست، بلکه از درک نابرخورداری که مقوله‌ای ذهنی است نیز متأثر می‌باشد. پژوهش حاضر تلاش داشت تا پیچیدگی‌های درک نابرخورداری و علل آن را در بین مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک که طی ۵۰ سال اخیر به این شهر مهاجرت کرده‌اند را شناسایی کند.

تشریح یافته‌ها نشان داد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، ناهمگنی منزلتی، کیفیت سبک زندگی، نحوه درک بر خورداری، و مقایسه، به‌عنوان شرایط علی از یک طرف و شرایط مداخله‌گری نمایش رسانه‌ای، ویژگی شبکه روابط، و کیفیت سطح زندگی از طرف دیگر، در درک این افراد از نابرخورداری دخیل هستند. گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، در متن پژوهش، نشان می‌دهند که مهاجرین «ساکن در حاشیه‌ها» و مهاجرین «بیکار یا دارای شغل فصلی و موقت»، هم زندگی قبل از مهاجرت و هم زندگی بعد از مهاجرتشان را نابرخوردار می‌دانند و در هر دو زندگی، خود را نسبت به سایرین در موقعیت نابرابر دیده و درک کرده‌اند. اما درک‌شان از نابرخورداری و در نتیجه نابرابری در زندگی بعد از مهاجرتشان بر اثر شرایط علی و مداخله‌ای که مطرح شد، بسیار بیشتر بوده است، و برای آنها استراتژی‌هایی چون مدارا، تظاهر دروغین به بر خورداری، و دریافت کمک از سازمان‌های حمایتی و پیامدهایی چون افزایش نارضایتی از زندگی و احساس تمایز اجتماعی و در نتیجه بی‌اعتمادی و کاهش همبستگی اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی را در پی داشته است.

همچنین بر اساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، مهاجرین ساکن در مناطق غیرحاشیه‌ای و دارای شغل ثابت (دولتی یا خویش‌فرما) در زندگی بعد از مهاجرتشان بسته به سطح بر خورداری‌شان، در قیاس با زندگی قبل از مهاجرت و همچنین در قیاس با زندگی سایرین، درک متفاوتی دارند. برخی از میزان بر خورداری زندگی بعد از مهاجرتشان رضایت ندارند و در نتیجه نابرابری نامشروعی را در قیاس با دیگران و گذشته خویش درک می‌کنند. اما برخی دیگر زندگی بعد از مهاجرتشان را بر خوردار و یا بر خوردارتر دانسته و در نتیجه با وجود اذعان به درگیری مداوم در رقابت و مقایسه خویش با سایرین، درک نابرابری را نسبت به زندگی قبل از مهاجرتشان کمتر تجربه می‌کنند. در واقع، شرایط دو گروه از این مهاجرین (گروهی که از

قشر ضعیف روستا بوده‌اند و بعد از مهاجرت نیز فقر در زندگی آنها استمرار داشته، و گروهی که از قشر برخوردار روستا بوده‌اند و مهاجرت نیز، موقعیت اقتصادی آنها را ارتقا داده) تأییدی است بر نتیجه پژوهش لیپتون (۱۹۸۰) که طبق آن، آن‌هایی که متعلق به لایه‌های ثروتمند هستند، مهاجرت موفقیت‌آمیزتری دارند و از این رو ساختارهای قدرت نابرابر، همچنان تغییرناپذیر باقی می‌مانند و مهاجرت هم در تقویت این نابرابری کمک می‌کند.

همچنین این نکته که اغلب مهاجرینی که ساکن در حاشیه‌ها، بیکار یا دارای شغل‌های فصلی و موقت هستند، مهاجرینی هستند که زمان مهاجرت‌شان متأخرتر است، و تقریباً مسئله بیکاری و شغل‌های موقت را در مهاجرین ۴۰ تا ۵۰ سال قبل مشاهده نمی‌کنیم، تأییدی است بر نتیجه پژوهش مهرگان و زمانی (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه رشد شهرنشینی و افزایش مهاجرت ابتدا باعث کاهش نابرابری اقتصادی شده و پس از یک حد معین، منجر به افزایش نابرابری گردیده است. لذا همان‌طور که طبق نظر مک داوول (۲۰۰۸) اشاره شد رابطه مهاجرت و نابرابری رابطه‌ای پیچیده است. چنان‌که گاهی ممکن است مهاجرت در یک نیمرخ، باعث کاهش نابرابری شود و در شرایطی دیگر، شدت نابرابری را در پی داشته باشد. همچنین این یافته که تفاوت‌های موجود بین شغل‌ها از نظر سطح منزلت و درآمد، حس نابرابری ایجاد می‌کند، هم‌راستای تحقیقات کیفی زیادی است که، دیدگاه "ذات گرایانه" دورکیمی را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که هویت‌های فردی و خودشناساندن‌ها به شدت متأثر از وابستگی‌های شغلی‌اند و در واقع حرفه‌های تفکیک شده، بیش از طبقات بزرگ عرصه اصلی تولید سبک‌های زندگی و نگرش‌های متفاوت هستند (رایت و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

در تشریح حساسیت پیامدهای احساس نابرخورداری در گروه قابل توجهی از مهاجرین روستایی ساکن شهر اراک - به‌عنوان نمونه‌ای از مهاجرین روستایی ساکن اکثر شهرهای ایران- نیز این بحث را می‌توان طرح کرد که: در جامعه‌ای چون ایران که بر اساس نتایج سرشماری‌ها، نسبت شهرنشینی از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است، و در واقع طی نیم قرن گذشته تعداد جمعیت مناطق شهری بالغ بر ۹ برابر شده است^۱ (فتحی، ۱۳۹۴)،

۱. هر چند شهرنشینی و رشد جمعیت شهری تنها به دلیل مهاجرت روستائیان به شهر نیست و عواملی چون: رشد

با اطمینان می‌توان گفت درصد بالایی از جمعیتی که امروزه شهری محسوب می‌شوند، تجربه زندگی در روستا را داشته‌اند. نکته‌ای که در رابطه با این درصد بالا از جمعیت وجود دارد، این است که این افراد، تغییرات چشمگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهرهای امروز را به شکل مضاعف درک کرده‌اند؛ در واقع تفاوت هست بین درک این تغییرات چشمگیر از طرف فردی که تجربه زیسته در دو مکان متفاوت را نداشته و این تغییرات را در گذر زمان، اما در بستر مکانی واحد درک کرده، و فردی که تجربه زیسته در دو مکان متفاوت را دارد و بیشتر این تغییرات را در بستر مکانی جدید تجربه و درک کرده است. در واقع این فرد تغییرات مضاعفی را که هم ناشی از تغییر مکان بوده و هم ناشی از تغییرات چشمگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در گذر زمان، یکباره درک کرده است.

بر این اساس، در جامعه ایران درصد بالایی از جمعیت شهرنشین تغییرات چشمگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به شکل مضاعف درک کرده‌اند. در نتیجه این افراد در قیاس ذهنی که به شکل بدیهی بین زندگی گذشته و حال خود دارند، دو فضای مضافاً متفاوت را قیاس می‌کنند. این نکته، در کنار نتایج این پژوهش که نشان داد گروه قابل توجهی از این افراد در زندگی قبل از مهاجرت‌شان با وجود نابرخورداری‌های عینی، درک کمتری از نابرخورداری داشتند و به قول خودشان، دل‌شان خوش‌تر بوده، می‌تواند تبیین‌کننده یکی از علل وجود حس نوستالژیک مضاعف در جامعه باشد. این حس در کنار این نکته که بسیاری از نابرخورداری‌های کنونی در جامعه، به عملکرد برنامه‌ریزان و مدیران سیاسی و اجتماعی نسبت داده می‌شود، می‌تواند تبیین‌کننده احساس بی‌اعتمادی به مسئولین و پایین آمدن سرمایه اجتماعی در سطح کلان در جامعه ایران باشد، که نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان از وجود آن دارند.

منابع

ابراهیمی، پریچهر (۱۳۶۸). *پدیده/ارشناسی*، تهران: نشر دبیر.
 ابریشمی، حمید، سجاد برخوردار و علی‌رضا قباشی (۱۳۹۸). تأثیر پویایی مهاجرت از روستا به شهر بر نابرابری درآمدی: مورد مطالعه مناطق روستایی ایران"، *فصلنامه مدلسازی*

طبیعی جمعیت شهری، طبقه‌بندی مجدد شهرها (تبدیل نقاط روستایی به شهر) و الحاق و ضمیمه کردن قلمروهای جدید به شهرهای موجود که اغلب نقاط روستایی حاشیه شهرها می‌باشند، نیز در افزایش جمعیت شهری دخیل‌ند.

- اقتصادسنجی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۳۹-۶۲.
- ادیب حاج باقری، محسن، سرور پرویزی و مهوش صلصالی (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی، تهران: انتشارات بشری.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی، بیوک محمدی (مترجم)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۹۳). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، سهیلا ترابی فارسانی (مترجم)، تهران: انتشارات نیلوفر.
- امانی، مهدی (۱۳۵۴). لغت‌نامه جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آیرملو، رضا (۱۳۶۳). مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران، مجله زبان و ادب فارسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، شماره ۱۳۲، صص ۷۹-۱۱۶.
- بودن، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵). فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی، عبدالحسین نیک گهر (مترجم)، تهران: فرهنگ معاصر.
- توحیدی اردهائی، فاطمه و الهه حیدرزاده (۱۳۹۰). تحقیق کیفی با تأکید بر روش گروه کانونی، مجموعه مقالات کیفی در پژوهش‌های اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- جلالیان، حمید و بهروز محمدی یگانه (۱۳۸۶). تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان زنجان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۸۹-۹۹.
- حاج باقری، محسن، مهوش صلصالی و سرور پرویزی (۱۳۶۸). روش تحقیق کیفی، تهران: نشر نی.
- حسامیان، فرخ و گیتی اعتماد (۱۳۸۵). شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- خاکپور، براتعلی، و علی‌رضا باوان پوری (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه یافتگی مناطق شهر مشهد، مجله دانش و توسعه، سال ۱۶، شماره ۲۷، صص ۲۰۳-۱۸۲.
- رایت، اریک آلین (۱۳۹۵). رویکردهایی به تحلیل طبقاتی، یوسف صفاری (مترجم)، تهران: نشر لاهیتا.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۵). توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.
- زمانی نیه، سمیه (۱۳۹۷). تأثیر مهاجرت روستایی در باز تولید نابرابری اجتماعی، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۴۶، صص ۲۸-۱۷.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- شفیعی کاخکی، مریم (۱۳۹۰). مهاجرت؛ نابرابری درآمد یا ارتقاء کیفیت زندگی، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۱۲-۸۹.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۳). مفاهیم برابری و نابرابری در فلسفه‌های غربی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۳-۴.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی-شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۶، شماره ۳، شماره ۶۲، صص ۹۳-۶۷.
- طاهری دمنه، محسن و معصومه کاظمی (۱۳۹۷). تمایل به مهاجرت در بین جوانان؛ مطالعه‌ای کیفی در تصاویر آینده، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۷۸-۵۳.
- غلامزاده نطنزی، امیرحسین (۱۳۸۳). اخلاق شهروندی و تأملی بر وضعیت آنومیک جوانان در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی جوانان، دانشگاه تهران.
- فتحی، الهام (۱۳۹۴). روند شهرنشینی در ایران. قابل دسترسی در: www.daraian.com
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، هادی جلیلی (مترجم)، تهران: نشر نی.
- فیندلی، سالی (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، عبدالعلی لهسانی‌زاده (مترجم)، شیراز: انتشارات نوید.
- کرسول، جولیت (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش، (انتخاب از میان پنج رویکرد روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)، حسن دانایی فرد و حسن کاظمی (مترجم)، تهران: انتشارات صفار.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). درآمدی به جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی (مترجم)، تهران: نشر توتیا.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، توسلی و فاضل (مترجم)، تهران: انتشارات سمت.
- گرب، ادوارد (۱۳۸۱). نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد (مترجم)، تهران: نشر معاصر.

- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰). نابرابری و قشربندی اجتماعی در ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۲۴-۳.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*، شیراز: انتشارات نوید.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و زرح در روش شناسی کیفی)*، جلد ۱، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- مهرگان، نادر و صابر زمانی (۱۳۹۲). بررسی اثر شهرنشینی بر توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نظریه کوزنتس، *مجله برنامه ریزی و بودجه*، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۱۹-۳.
- نقدی، اسداله (۱۳۸۶). *حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی*، همدان: انتشارات فن آوران.
- هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی*، تهران: جامعه و فرهنگ.
- Creswell J. W. (2007). *Qualitative inquiry & research design: Choosing among five approaches*. London: sage publications.
- Danayifard, H., & M. Emami (2006). Strategies for qualitative research: Grounded theory, *Quarterly journal of Management*, (2), Tehran (in Persian).
- Fleisher, B., & H. Li (2010). Human capital, economic growth, and regional inequality in china, *journal of development economics*. No. 92: 215-231.
- Ha, W., J. Yi, Y. Yuan & J. Zhang (2016). The dynamic effect of rural – to – urban migration on inequality in source villages: system GMM estimates from rural china, *china Economic Review*, 37: 27-39.
- Hahn, K., J. Steinhäuser & K. Goetz (2020). Equity in Health Care: A Qualitative Study with Refugees, Health Care Professionals, and Administrators in One Region in Germany. Volume 2020, Article ID 4647389, doi.org 10.1155.
- Knell, M., and H. Stix (2017). *Perceptions of Inequality*, Oesterreichische Nationalbank.
- Lipton, M. (1980). Migration from rural areas of poor countries: the Impacts of rural productivity and Income distribution, *world development*, vol. 8: 1-24.
- Mcdowell, L. (2008). Thinking through work: complex Inequalities, constructions of differential migrants, *progress in Human Geography*, vol. 32, No. 4, pp. 491-507.
- Rebhun, u. & A. Raveh (2006). The spatial distribution of Quality of life in the United States and interstate migration, 1965-1970 and 1985- 1990. *Social indicators research*, 78(1), 137-178.
- Richardson H. W. (1979). Aggregate efficiency and interregional Equity. In Hendrik Folmer (Eds), *Spatial Inequalities and Regional Development*, Boston: Kluwer, pp: 161- 183.
- Stalker, P. (1994). *The work of strangers: A survey of international labour migration*. International labour office, Geneva.
- Stark, O. & D. E. Bloom (1985). The new economics of labor migration, *American Economic Review*, 75 (2): 173- 178.
- Stark, O. & J. E. Taylor (1991). Migration incentives, migration types: the role of relative deprivation. *The Economic Journal*, 1163-1178.

- Strauss, A., & J. Corbin (2008). Basics of qualitative research. Translated by Mohammadi, Biok, Tehran: Human Science & Cultural studies center publication (in Persian).
- Weiss, A. (2005). The Transnationalization of social Inequality: conceptualizing social position on world scale, *current sociology*, vol. 53, No, 4: 707-728.
- Zhigang, L. U. & S. Shunfeng (2006). Rural- urban migration and wage determination, the case of Tianjin, *Journal of China Economic Review*, No. 17.

An Analysis of the Perception of Inequality in Life before and after Migration from Rural to Urban Areas: A Case Study of Immigrants Entering the City of Arak during the Last 50 Years

Fatemeh Zandi *, Mansoura Azam Azadeh **

Abstract

The purpose of this article is to explore the understanding of rural migrants living in Arak about inequality. For this purpose, we have used the Grounded Theory as a qualitative approach. Research data were collected through interviews and direct observation. The study population includes rural immigrants living in the city of Arak who migrated to this city in the last 50 years, and the samples included 22 people from different age and occupation groups. From the description of the findings, 50 basic concepts and 15 categories were extracted; Central theme which create perception of inequality is lack of benefiting. Causal conditions influencing the lack of benefiting include: Socio-economic status, status heterogeneity, quality of life style, how to perceive benefiting, and comparing, which by means of interventional conditions such as: media views, network characteristics of relationships, and quality of life are adjusted and intensified. Based on the finding, immigrants adopt the following strategies: tolerance, false pretend of benefiting, and receiving assistance from supporting organizations. The consequences include an increased life dissatisfaction, and a sense of social differentiation and it can lead to mistrust and reduced social solidarity.

Keywords: Migration, Understanding Inequality, Inequality, Rural Immigrants, Social Differentiation, Arak City.

* PhD Student, Sociology of Social Issues, Al-Zahra University. Email: fat.zandi@gmail.com

** Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Al-Zahra University (Corresponding Author). Email: m.azadeh@alzahra.ac.it